

دولة الظالمين

حکومت ظالمان

س ۱۱۶ / ما حکم من يشارك ببناء مستشفيات وأبنية خدمات للشعب، ويعمل بها موظفاً أو أجييراً؟ علماً أن بناءها يصرف من قبل قوات الدجال المحتل لبلد المسلمين، حيث إنهم الجهة الممولة.

پرسش ۱۶:

کسی که در ساختن بیمارستان‌ها و ساختمان‌های خدماتی برای مردم و کار کردن در آن به عنوان کارمند یا کارگر همکاری می‌کند چه حکمی دارد؟ با توجه به اینکه هزینه ساخت آنها از طرف نیروهای دجال که سرزمین مسلمین را اشغال کرده‌اند تأمین می‌شود؛ زیرا آنها قشر ثروتمند هستند.

ج/ إذا كانت المنشآت مستشفيات أو مدارس ينتفع منها المسلمون يجوز، أما بالنسبة للمال فهو مال المسلمين. وأمريكا وأذئابها يحتالون في كثير من الأحيان على الشعوب المسلمة التي يستنزفون ثروتها بمعونة الطواغيت الذين يحكمون بلاد المسلمين ثم يتصدقون على المسلمين بالمال (أو بالفتات).

پاسخ:

اگر بناهای ساخته شده، بیمارستان‌ها یا مدارس باشد که مسلمانان از آن بهره‌مند می‌گردند جایز است... اما در خصوص اموال، متعلق به مسلمین است، و آمریکا و پیروان او در بسیاری اوقات به کمک طاغوت‌هایی که در سرزمین مسلمین حکومت می‌کنند مردم مسلمانان را که ثروتشان را چپاول می‌کنند فریب می‌دهند، سپس با آن مال (بخش کوچکی از آن) به مسلمانان صدقه می‌دهند.

س ۱۱۷ / إني أحد المؤمنين بدعوتك الحقّة، وأعمل في جهاز تفتيش أمني، وفي بعض الأحيان يتم محاسبة المخالفين وإحالتهم للقضاء بسبب أكل أموال الآخرين عن طريق أخذ الرشوة أو التعاطي، فهل يجوز إحالتهم مع العلم أنهم مفسدين من باب الشريعة، ويأخذون من الرواتب الشهرية للمنتسبين أو يأخذون من المنتسبين مبلغاً من

المال في مقابل إعطائهم إجازة عن العمل، أو قضاء حاجة معينة للمنتسبين مقابل أخذ جزء من رواتبهم؟

پرسش ۱۷:

من یکی از مؤمنان به دعوت حق شما هستم و در یک مرکز بازرسی امنیتی کار می‌کنم. گاهی حسابرسی مخالفان پایان می‌یابد و آن‌ها به دلیل خوردن مال دیگران از طریق دریافت رشوه یا زد و بند، به دستگاه قضایی معرفی می‌شوند. آیا تحویل دادن آنها با علم به اینکه از نظر شریعت مفسدند جایز است؟ آنها مبلغی از حقوق ماهیانه اعضا یا از خود اعضا می‌گیرند تا در مقابل، به آنها اجازه فعالیت بدهند یا خواسته معینی از اعضا را در برابر دریافت از حقوق آنها برآورده می‌کنند.

ج/ لا تجوز معونة الظالم بأي صورة كانت، بل ويجب هدم دولة الطاغوت بكل ما أمكن وتقويض أركانها وهي جزء من مملكة الشيطان، ولا يجوز الترافع لقضاة يحكمون بغير ما أنزل الله ولم يخولهم حجة الله للقضاء بين الناس. أما إذا كنت تعمل بالممكن لدفع ظلم بعض الناس عن بعض فعليك أيضاً أن تأخذ بنظر الاعتبار ما تقدم، فلا تكن عوناً لظالم وطاغوت بتقوية مملكته وحاكميته واعمل على إعانة المظلوم وإغاثة المؤمن، وأسأل الله لكم الخير كله رضاه والجنة وأن يجنبكم الشر كله سخطه والنار، وإن شاء الله يكون حسابكم يسيراً بفضل إيمانكم ويدخلكم رب رحيم برحمته وهو أرحم الراحمين.

پاسخ:

یاری رسانیدن به ستمکار به هیچ شکلی جایز نیست؛ بلکه نابود کردن دولت طاغوت و محو ارکان آن با هر وسیله ممکن، واجب است؛ چراکه جزئی از مملکت شیطان است. جایز نیست که رفع اختلافات نزد قضاتی فرستاده شود که بر اساس به غیر از آنچه خدا فرستاده است، حکم می‌کنند و حجت خدا به آنان اجازه قضاوت بین مردم را نداده است؛ اما اگر برایت ممکن است که ظلم بعضی مردم از بعضی دیگر را دفع کنی، بر تو واجب است با دقت به آنچه گفتم بنگری تا یاور ستم کار و طاغوت با تقویت مملکت و حاکمیتش نشوی. برای یاری مظلوم و فریادرسی به مؤمن عمل کن. برای شما همه خیر را می‌خواهم و همه خیر، رضایت خدا و بهشت است و نیز می‌خواهم که شما را از شر بازدارد و همه شر، خشم خدا و آتش است. ان شاء الله به فضل ایمانان، حسابتان آسان است و پروردگار رحیم شما را وارد رحمتش می‌کند و او مهربان‌ترین مهربانان است.

س ۱۸۸ / شخص يعمل في أحد الأجهزة الأمنية، ما هو تكليفه إذا رأى أفراد من جيش الاحتلال يمرون أمامه في مكان عمله الجديد ؟

پرسش ۱۸:

شخصی در یکی از نهادهای امنیتی کار می کند. وقتی می بیند تعدادی از نیروهای ارتش اشغالگر در محل کار جدیدش از جلوی او عبور می کنند، چه تکلیفی دارد؟

ج/ بالنسبة للاحتلال لا يقاوم فردياً بل لابد أن يكون هناك عدد وتنظيم، وأسأل الله أن يبسر إيمان خلقه ليكون هناك عدد من المؤمنين القادرين على تحمل أعباء الدعوة الإلهية بكل اتجاهاتها.

پاسخ:

در خصوص اشغالگران، خودش به تنهایی مقاومت نکند. بلکه برای این کار باید تعدادی نیرو و تشکیلات وجود داشته باشد. از خداوند مسئلت می نمایم که ایمان آوردن را بر خلقش سهولت بخشد تا مؤمنانی باشند که بتوانند سنگینی دعوت الهی را در تمام ابعادش به دوش بکشند.

س ۱۸۹ / أعمل في دائرة وأتقاضى راتباً شهرياً من حكومة (غير شرعية) حيث لا تحکم بما أنزل الله تعالى، ما الحكم الشرعي في المال الذي أتقاضاه ؟

پرسش ۱۹:

در اداره ای کار می کنم و از حکومت غیر شرعی -چون طبق آنچه خداوند متعال نازل کرده است اداره نمی شود- حقوق ماهیانه دریافت می کنم. حکم شرعی مبلغی که دریافت می کنم چیست؟

ج/ تصرف حكومة الطاغوت في الأموال المنقولة وغير المنقولة غير شرعي؛ لأن حكومة الطاغوت غير معتبرة، والأموال في بلاد المسلمين إما للإمام (عليه السلام) أو للمسلمين عامة، فيجوز أن تأخذ الأموال باعتبارك أحد المسلمين الذين يملكون هذا المال.

پاسخ:

تصرف حکومت طاغوت در اموال منقول و غیرمنقول شرعی نیست؛ زیرا حکومت طاغوت اعتباری ندارد و اموالی که در سرزمین مسلمانان است یا برای امام (علیه السلام) است یا

برای عموم مسلمانان؛ پس جایز است که شما اموال را دریافت کنی، چراکه شما یکی از مسلمانانی هستی که مالک این اموال هستید.

س ۲۰ / بنیت بیتاً فی أرض تابعة للدولة وليست ملكاً لأحد، مع العلم أنها لا تؤثر على سوق أو مدرسة أو شارع مع أخذ الموافقة من الجيران قبل البناء، فما حكم هذا البيت ؟

پرسش ۲۰:

خانه‌ای در زمین‌های دولتی که متعلق به شخص خاصی نیست ساختم؛ با علم به اینکه زمین متعلق به بازار، مدرسه یا خیابان نیست و قبل از احداث از همسایه‌ها هم اجازه گرفتم. حکم این خانه چیست؟

ج/ الأرض إمّا ملك للإمام المهدي (عليه السلام) أو للمسلمين المؤمنين بالحق، ولالإمام حق التصرف، وليس لدولة الطاغوت أي حق شرعي في التصرف فيها، فيحق لكل مؤمن بالحق أن يسكن ويبني داراً له إذا كان لا يملك داراً يسكن فيها، ولا يعتد بدولة الطاغوت أو من يواليها من السفهاء الذين يعتبرون الأرض التي ملكها لهم صدام أو الطواغيت من أمثاله شرعية، والأرض التي يأذن الإمام لأوليائه التصرف فيها غير شرعية !!

پاسخ:

زمین، یا ملک امام مهدی (علیه السلام) است و یا متعلق به مؤمنان به حق، و حق تصرفش از آن امام (علیه السلام) است و حکومت طاغوت هیچ‌گونه حق شرعی دخل و تصرف در آن را ندارد. حق هر مؤمن به حق است که خانه‌ای بنا کند و در آن ساکن شود مگر خانه‌ای نداشته باشد. و در این خصوص دولت یا پیروان سفیه آن اهمیتی ندارند؛ همان کسانی که تصور می‌کنند املاکی که صدام یا طاغوت‌هایی نظیر او به آنها داده است، شرعی، و در عوض، زمینی که امام به یارانش اجازه تصرف می‌دهد، غیر شرعی است!!

س ۲۱ / في ذمتي أموال للدولة بما يعادل ۲۰ ألف دينار، حيث كنت أعمل محاسباً في الجيش من سنة ۱۹۹۱ - ۱۹۹۷. وكذا ۳۰۰ ألف دينار رشاوى لغرض إجراء معاملات، وقد أخذت معظمها للضرورة لصعوبة وضعي المالي، حيث كان يأخذ الضابط المسؤول عن

التسريح القسط الأكبر ولي منها قسط. كيف أبرئ ذمتي حيث لا أعرف أحداً من هؤلاء الأشخاص لأرجعها أو أترضى معهم؟

پرسش ۲۱:

از سال ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۷ در ارتش حسابداری می‌کردم و معادل ۲۰ هزار دینار از اموال دولت را در اختیاردارم. همین‌طور ۳۰۰ هزار دینار رشوه برای اجرای معاملات در اختیاردارم که بیشتر آن را به جهت وضعیت بد مالی که داشتم گرفتم؛ و این رشوه‌ها به گونه‌ای بود که مسئول مرخصی‌ها سهم بیشتر را برمی‌داشت و من نیز سهم کمتری. چگونه ذمه‌ام را بری کنم با وجود اینکه هیچ‌یک از این اشخاص را نمی‌شناسم تا مبالغ را به آن‌ها بازگردانم یا آن‌ها راضی کنم؟

ج/ دولة الطاغوت لا تملك، والأموال في بلاد المسلمين للإمام (عليه السلام) والمسلمين، فالأموال التي أخذتها من دولة الطاغوت وأنت محتاج لها بسبب فقرك هي لك؛ لأنك من المسلمين. أما ما أخذته من الأشخاص فهو مال شخصي، فتصدق به على الفقراء إذا لم تتمكن من الوصول إليهم وتحصيل براءة الذمة منهم، وإذا لم تتمكن من التصديق بجميع المال فتصدق بما يمكنك منه.

پاسخ:

حکومت طاغوتی هیچ تملکی ندارد و اموال در سرزمین‌های مسلمین برای امام (علیه السلام) و مسلمانان است؛ بنابراین اموالی که از حکومت طاغوت دریافت کرده‌ای و به سبب نیاز مالیات به آنها محتاج بوده‌ای، از آن تو می‌باشد -چراکه تو از مسلمانان هستی- اما آنهایی که از اشخاص گرفته‌ای، در زمره اموال شخصی است؛ پس اگر نمی‌توانی آن اموال را به صاحبان‌شان برسانی و ذمه‌ات را از آنها بری کنی، این اموال به فقرا صدقه بده، و اگر نمی‌توانی همه آن اموال را صدقه بدهی، هر آنچه از آنها را که در توان داری صدقه بده.

س۲۲/ موظف في وزارة الصحة وله راتب شهري، ومن المتعارف عليه أن الموظفين يكون إلزامهم بالدوام اليومي من بداية الدوام الرسمي إلى نهايته المحدد من قبل الحكومة والوزارة، وهم في نفس الاختصاص خمسة، قسّموا عدد أيام الأسبوع عليهم بحيث كل يوم لواحد منهم، هل هناك إشكال في ذلك من ناحية المواظبة على الدوام، هل هو مقصر؟ ومن ناحية الراتب الشهري هل هناك إشكال،

حيث إن المال من الحق العام وهو عائد لمولاي الإمام الحجة (عليه السلام)؟

پرسش ۲۲:

کارمندی در وزارت بهداشت کار می کند و حقوق ماهیانه دارد، و به طور معمول وظیفه معین شده برای کارمندان از سوی حکومت و وزارتخانه، حضور روزانه کارمندان از ابتدای کار رسمی تا پایان آن می باشد. آنها در یک دپارتمان پنج نفره هستند و روزهای هفته را تقسیم کرده اند به طوری که هرروز به یکی از آنها اختصاص دارد. آیا در این کار از نظر مواظبت داشتن بر ساعات کار اداری اشکالی وجود دارد؟ آیا او کوتاهی کرده است؟ و آیا از نظر دریافت حقوق ماهانه اشکالی در این خصوص وجود دارد؟ چراکه اموال از حقوق عمومی است و به مولایم امام حجت (علیه السلام) باز می گردد؟

ج/ إذا كنت تؤدي الخدمة للمسلمين بشكل صحيح ولا نقص فيه يجوز بأي صورة كانت، أما إذا كانت دولة الحق والعدل الإلهي فيجب الالتزام بكل ما يقرر فيها جملة وتفصيلاً.

پاسخ:

اگر شما به شکل صحیح به مسلمانان خدمت می رسانی و نقصی در آن نباشد، به هر صورتی که باشد جایز است، اما اگر دولت حق و عدل الهی برقرار باشد، ملزم بودن به هر آنچه که در قرارداد آمده است به طور کلی و جزئی - واجب است.

س ۲۳/ كنت أعمل في الإعاشة في الجيش السابق، وقمت بأخذ مبلغ قدره فقط خمسون ألف دينار مقابل ما بذمة الجنود من ملابس وتجهيزات، فكنت أخذ هذه المبالغ وأعطي قسماً منها إلى الضابط المختص، والبعض الآخر أخذه أنا، علماً أنني إن لم أعمل هذه العملية يقوم الضابط بعرقلة معاملة الجنود فيؤخر تسريحهم. (٦٠.٠٠٠) ألف دينار أخذتها من الضابط الإداري في الجيش السابق كوني أساعده في عملية تنظيم الرواتب وحسابات الأرزاق ولا أعلم مصدرها، أهني من أموال اللقطة أم من الجنود ؟

پرسش ۲۳:

پیشتر در قسمت تدارکات ارتش مشغول به کار بودم و مبلغی فقط به اندازه پنجاه هزار دینار در مقابل آنچه از تجهیزات و لباس برای ارتش بود دریافت کردم. من این مبلغ را که می گرفتم، بخشی از آن را به افسر مسئول می دادم و قسمتی دیگر را برای خودم برمی داشتم،

با توجه به اینکه اگر من این کار را انجام نمی‌دادم آن افسر جلوی معامله ارتش را می‌گرفت و مرخصی‌شان به تأخیر می‌افتاد. من بیشتر شصت هزار دینار از کارمند اداری ارتش گرفتم تا در تنظیم عملیات حقوق ماهانه و حسابداری ارزاق کمکش کنم و منبع این پول را هم نمی‌دانم. آیا این پول از اموال «لقطه» (مجهول‌الصاحب) است یا جزو اموال سربازان می‌باشد؟

ج/ دولة الطاغوت لا تملك، والأموال في بلاد المسلمين للإمام (عليه السلام) وللمسلمين. فإذا كنت قد أخذت أموالاً من دولة الطاغوت وأنت محتاج لها بسبب فقرك فهي لك؛ لأنك من المسلمين، وإذا كنت قد أخذت أموالاً من أشخاص معينين فعليك إعادة الأموال لهم إن كنت تعرفهم، وإلا فتصدق بمقدارها على الفقراء.

پاسخ:

حکومت طاغوتی هیچ تملکی ندارد و اموال در سرزمین‌های مسلمین برای امام (علیه السلام) و مسلمانان است؛ بنابراین اموالی که از حکومت طاغوت دریافت کرده‌ای و به سبب نیاز مالیات به آنها محتاج بوده‌ای، از آن تو می‌باشد -چراکه تو از مسلمانان هستی- اما اگر شما اموالی از اشخاص معینی گرفته‌ای اگر آنها را می‌شناسی باید آن اموال را به آنها بازگردانی و گرنه به همان مقدار به فقرا صدقه بدهی.

س ۲۴/ بعد استلامی إدارة إحدى المدارس شاهدت مخالفات شرعية وأخلاقية من قبل الهيئة التدريسية، وحينها قمت بالنصح والتوصية حتى وصلت الحالة إلى العراك لكن زاد الطين بلة وأصبحت لدى بعضهم وأقصد السيئين مكروهاً، راجياً مساعدتكم بالنصح وما هو الحكم الشرعي اتجاه المخالفين؟

پرسش ۲۴:

بعد از تحویل گرفتن اداره یکی از مدارس متوجه شدم که هیئت‌رئیس آن خلاف اخلاق و شرع عمل می‌کنند. شروع به نصیحت و توصیه به آنها نمودم تا آنجا که کار به درگیر شدن رسید و به وضعیت بدتری منجر شد. برخی از آنها را شناسایی کردم و تصمیم به مجازات گناهکاران گرفتم. امیدوارم شما کمک کنید، و حکم شرعی در برابر مخالفان چیست؟

يقوم بعض المدرسين بإجبار الطلبة على التدريس الخصوصي، ويتعهدون للطلبة بالنجاح بجميع الدروس والمقابل دفع مبالغ كبيرة

قد تصل إلى (٥٠٠.٠٠٠) دينار. إضافة إلى العلاقات غير الأخلاقية مع أمهات الطلبة مقابل نجاح أولادهم.

بعضی از معلمان، دانش آموزان را به تدریس خصوصی مجبور می کنند و به آنها وعده قبول شدن در تمامی دروس را می دهند و در مقابل، مبالغ زیادی (تا ۵۰۰ هزار دینار) دریافت می کنند. این علاوه بر روابط غیراخلاقی است که با مادران دانش آموزان در برابر موفقیت فرزندان شان دارند.

ج/ اتق الله وأصدع بالأمر بالمعروف والنهي عن المنكر بكل ما آتاك الله، والله ينصرك إن أخلصت له سبحانه. وبحسب علمي فإن وزارتكم اسمها التربية والتعليم، فمن هذه الكلمة انطلق (التربية) فاجعل مثلاً في يوم الخميس خطبة أخلاقية دينية تلقى على الطلبة والمدرسين، واجعل بعض هؤلاء المنحرفين يشاركون فيها لعلمهم يهتدون. كلفهم وكلف غيرهم وكلف نفسك وادع بعض الضيوف من المؤمنين المتدينين لإلقاء الخطبة الدينية الأخلاقية يوم الخميس.

پاسخ:

تقوای الهی پیشه کن و با هر آنچه خداوند به تو داده است، اقدام به امر به معروف و نهی از منکر کن، که اگر برای او سبحان اخلاص پیشه کنی خداوند یاریات می کند. تا آنجا که من می دانم اسم وزارتخانه شما تعلیم و تربیت است و از این نام، عبارت «تربیت» برداشت می شود؛ بنابراین به عنوان مثال- در روزهای پنجشنبه سخنرانی اخلاقی و دینی برای دانش آموزان و معلمان ترتیب بده، و بعضی از این منحرف ها را وادار کن تا در این سخنرانی ها شرکت کننده تا شاید هدایت شوند. آنها، دیگران و خودت را تکلیف کن و مهمانانی از مؤمنین و متدینین را دعوت کن تا در روز پنجشنبه سخنرانی دینی اخلاقی ایراد کنند.

اسع واعمل وسیری الله عملك ورسوله والمؤمنون، وادع إلى سبيل ربك بالحكمة والموعظة الحسنة. حاول أن تجعل الجميع يحبونك ويقبلون كلامك. أسأل الله أن يوفقك ويسدك لكل خير، وأرجو منك أيها الأستاذ الفاضل أن تدعو لي.

تلاش کن و عمل کن که خداوند، فرستاده اش و مؤمنان عمل تو را خواهند دید، و با حکمت و پند نیکو به راه پروردگارت دعوت کن. سعی کن که همگی تو را دوست داشته باشند و سخن تو را بپذیرند. از خداوند می خواهم که شما را در همه خیرها توفیق عطا فرماید و یاریات کند؛ و ای استاد گرانمایه! امیدوارم شما مرا در دعایت فروگذار نکنی.

س ۲۵ / أنصاري يعمل في مؤسسة حكومية مدنية، يقول هل يمكنني أخذ إجازة شهراً كاملاً في رمضان لغرض الصيام في البيت وذلك بعمل إجازة مرضية أو لأي سبب آخر؟ علماً أن المؤسسة أو الدائرة ليس لديها مانع بمنح الإجازة.

پرسش ۲۵:

یکی از انصار که در مؤسسه انتظامی حکومتی کار می کند، می گوید: آیا می توانم ماه رمضان را به طور کامل به قصد روزه گرفتن در خانه، مرخصی بگیرم و این عمل را با استفاده از مرخصی تشویقی یا به هر ترتیب دیگری انجام دهم؟ با توجه به اینکه آن موسسه یا اداره مانعی برای دادن مرخصی ندارد.

ج/ یجوز.

پاسخ:

جایز است.

س ۲۶ / كنت شاهد على عملية قتل حصلت أمامي، سمعت طلقاً نارياً وجثة سُحبت من السيارة وألقيت على الطريق، استنجد الناس فمسكوا أصحاب السيارة، دُعيت إلى الشهادة في المحكمة، هل أشهد بما رأيت وسمعت، علماً بأن المحكمة غير شرعية والقتلة معترفون بذنبهم، ولكن القاضي يصر على حضوري للشهادة، ما الحكم الشرعي؟

پرسش ۲۶:

من شاهد قتلی بودم که در برابر صورت گرفت. صدای تیراندازی شنیدم و جسدی از ماشینی به زمین کشیده شد و روی خیابان افتاد. مردم کمک خواستند و صاحبان خودرو گرفتار شدند. من برای شهادت دادن در محکمه دعوت شدم. آیا به آنچه دیدم و شنیدم گواهی بدهم؟ با وجود اینکه می دانم این محکمه غیرشرعی است و قاتلان به گناه خود اعتراف کرده اند؛ اما قاضی به حضور من برای شهادت دادن اصرار می ورزد. حکم شرعی چیست؟

ج/ لا يجب الحضور في محكمة غير شرعية ولكن لا بأس
بالحضور لإثبات الحقوق وضمان عدم ضياعها خصوصاً إذا
انحصر الأمر بالحضور.

پاسخ:

حضور در دادگاه غیر شرعی واجب نیست؛ اما حاضر شدن برای اثبات حقوق و اطمینان از
ضایع نشدن آن، اشکالی ندارد؛ به خصوص اگر این نتیجه در گرو حضور داشتن باشد.

* * *